

بررسی و تحلیل مهریه دختران پیامبر ﷺ

* اعظم رمضانی

** نعمت‌الله صفری فروشانی

*** عباسعلی حیدری

چکیده

تشکیل خانواده در سیره پیامبر ﷺ مبتنی بر سادگی و به دور از تشریفات بوده و آن حضرت همواره بر سبک بودن میزان مهریه تأکید می‌نموده‌اند. نگارنده در تحلیل مهریه دختران پیامبر ﷺ با روش «توصیفی - تحلیلی» و با رویکرد «تاریخی - روایی» به این نتیجه می‌رسد که مهریه دختران پیامبر ﷺ از میزان ۵۰۰ درهم فراتر نرفت، و آن بزرگوار را سعی بر آن بود تا با برقراری مهریه مشخص برای همسران و دخترانش، میزان مهریه را در بین امت اسلامی الگوسازی کند. ضمن آنکه هیچ‌گاه این سنت را به دیگران تحمیل نکرد و مقدار و نوع آن را، بر عهده خودشان گذاشت.

واژگان کلیدی

پیامبر ﷺ، مهریه دختران پیامبر ﷺ، مهر السنّة.

*. داشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران.
a.ramezani @ iau.arak.ac.ir

**. استاد جامعه المصطفی العالمیہ.
emam.history@gmail.com

***. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران.
aa.heidari@iau.arak.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹

طرح مسئله

سنت اجتماعی مهریه، همانند سایر سنت‌ها، طی روزگار گذشته، تحولات و دگوگونی‌های زیادی را پشتسر گذاشته و با توجه به زمان و مکان، چهار تغییرات مختلفی شده است. اسلام بر اصل وجود مهریه صحه گذاشته و در عین حال مسیر انحرافی - اجتماعی را که در طول تاریخ به وجود آمده بود، اصلاح کرد و به منظور بالا بردن شخصیت و کرامت زن، مهریه را حق زن دانست و دسته‌ای از قوانین اسلامی را بدان افزود. پیامبر ﷺ نیز سعی بر آن داشت تا با برقراری مهریه مشخص برای همسران و دخترانش که در بین مردم «مهرالستّة» نامیده شد، میزان آن را در بین امت اسلامی الگوسازی کند. زندگی دختران پیامبر ﷺ عموماً مورد توجه و بررسی محققین و سیرہ‌نگاران بوده ولی آن‌گونه که باید، به صورتی منسجم، با رویکردی تاریخی - روایی، به مسئله مهریه ایشان و نوع و میزان آن توجه نگردیده است.

از این‌رو، نگارنده بنا دارد در این پژوهش، با توجه به منابع متقدم تاریخی، ضمن مفهوم‌شناسی واژه مهریه، با نکاهی گذرا به پیشینه تاریخی آن، مهریه دختران رسول گرامی اسلام ﷺ را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به پاسخ این پرسش برسد که عملکرد پیامبر ﷺ به عنوان یک اسوه و الگو، در تعیین مهریه دخترانش چگونه بوده است؟ و این می‌تواند الگویی برای مهریه در هر زمان و مکان در میان مسلمانان باشد.

مفهوم‌شناسی مهر

مهر از جمله واژه‌هایی است که در اصل اشتراق آن اختلاف است. برخی معتقدند که مهر مشتق از کلمه اکدی^۱ است.^۲ اما به لحاظ آنکه دلیل مستندی برای آن ذکر نشده است، نمی‌توان آن را پذیرفت. برخی دیگر معتقدند این واژه از کلمه عبری موهار^۳ و از ریشه سریانی مهرا^۴ گرفته شده است و به معنای هدیه عروسی است.^۵ بستانی (م ۱۸۸۳) نیز مهر را، واژه‌ای عربی دانسته که فعل آن مهر، یَمْهُرُ می‌باشد و از نظر لغوی به معنای «عوض» است.^۶

۱. اکد. [آک ک] (اخ) اکاد. واکدی زبان قوم آکاد که کشوری واقع در شمال عراق بود که بعدها بابلی‌ها جای آنها را گرفته‌اند.

۲. جمعه، النظم الاجتماعية والسياسية، ص ۴۸.

3. Mohar.

4. Mahra.

5. The encyclopaedia of Islam, 18. glossary of Islamic terms & concepts: *The encyclopedia of Islam*, Leiden, Brill, 1999.

ع بستانی، محیط المحيط، ص ۸۶۷ - ۸۶۶

ابن منظور (م ۷۱۱ ق)،^۱ فیومی^۲ (م ۷۷۰ ق)، فیروزآبادی^۳ (م ۸۱۷ ق) و طریحی^۴ (م ۱۰۸۹ ق) کلمه مَهْر به فتح میم را به معنای صداق زن دانسته‌اند و جمع آن در مصباح المنیر «مُهُورَة» آمده، مثل بَعْل و بُعْوَلَة و در مجمع البحرين «مُهُور» ذکر شده است.^۵

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در تعریف مهر می‌نویسد: مهر عبارت است از آنچه که زوج پرداختش را به زوجه هنگام انعقاد عقد نکاح با وی، عهددار می‌شود و عبارت «مَهْرُ الْمَرْأَة» به معنای آن است که برای زن مهر تعیین و نام برده شد و عبارت «اَمْهَرَهَا» یعنی مهر را به زن اعطا کرد.^۶ نظر به معروفیت این واژه، اکثر فقهای امامیه از مهر تعریفی به عمل نیاورده و به ذکر موضوع آن بسنده نموده‌اند. چنان‌که مرحوم محقق حلی (م ۶۷۶ ق) معتقد است که هر چیزی که از عین یا منفعت باشد و تملک در آن صحیح باشد را می‌توان به عنوان مهر قرار داد.^۷

شهید اول (م ۷۸۶ ق) نیز تعریفی مشابه دارد.^۸ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز، چیزی که برای آن قیمت در نظر گرفته می‌شود و مقدار آن ممکن است کم باشد یا زیاد و زن و مرد بر روی آن توافق نمایند را مهر می‌داند.^۹

شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) برای مهر، اسم‌هایی مانند صداق، صدقه، نحله، اجر و فریضه را نام برده است و مهر را مالی میداند که به واسطه وطیء غیر زنا، از زن واجب می‌شود.^{۱۰} مهر تحت نام‌های دیگری نیز ذکر شده است از جمله:

۱. صَدَاق

از میان اسامی ذکر شده، کلمه صَدَاق بیشتر به معنای مهر آمده است. صَدَاق لغتی است

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۸۴.

۲. فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۸۲.

۳. فیروزآبادی شیرازی، قاموس المحیط، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. طریحی، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۸۵.

۶. شیخ مفید، رساله فی المهر، ص ۳.

۷. حلی، شرایع الاسلام، ص ۱۶۸.

۸. مکی عاملی، لامعة الدمشقية، ص ۵۷.

۹. طوسی، النهاية، ص ۴۶۸.

۱۰. شهید ثانی، مسالك الافهام، ج ۸، ص ۱۵۷.

۱۱. طریحی، مجمع البحرين، ج ۵، ص ۱۹۸.

و به فتح صاد و حتی به کسر آن استعمال شده. «الصَّدَاقُ» و جمع آن أَصْدِقَةٌ و صُدُقٌ: مهریه زن، کابین. که در اصل از صدق گرفته شده و دلالت بر رغبت صادقانه مرد به زن دارد.^۱

ابن منظور^۲ (م ۷۱۱ ق) نیز مهر را صداق معنا نموده، و جمع آن را مُهُور می‌داند و در ادامه به ذکر حدیثی می‌پردازد و می‌گوید: «در حدیث ام حبیبه آمده که نجاشی از طرف خود مهر او را تعیین کرد و مهر را پرداخت که می‌شود صداق»^۳ لازم به ذکر است که در زبان عربی زمانی که مهریه تعیین می‌شود، می‌گویند: «مَهْرُّ الْمَرْأَةِ وَمَهْرُّهَا» و زمانی که مهر برای زن برده می‌شود (و به او پرداخت می‌شود) به آن صداق می‌گویند.^۴

راغب (م ۵۰۲ ق) نیز صداق المرأة و صداقها و صداقتها، را کابین و مهریه زن می‌داند که به او داده می‌شود.^۵ لذا أَصْدَقَتُهَا: یعنی مهریه‌اش را دادم و زمانی به آن صداق گفته می‌شود که مهر به زن پرداخت شده باشد و در این مرحله است که الصَّدَاقُ و الصَّدَاقَةُ نامیده می‌شود.^۶ واژه مهر در آیات قرآن به کار نرفته، اما از لغات معادل آن استفاده شده است. به عنوان نمونه آیه چهارم سوره نساء، که مهریه را تحت نام صدقات آورده است: «صدق زنان را به عنوان بخشش و نحله پرداخت نمایید».^۷

۲. نحله

در لغت به معنای بخشش از روی طیب نفس و رضایت خاطر، عطا، قرض، مهریه زنان، دین و مذهب به کار رفته است.^۸ لذا نحله یعنی عطیه از جانب خداوند و آن عطیه‌ای است که در مقابل آن ثمن و عوض نباشد^۹ و صداق زن را از این جهت نحله نامیده‌اند که هیچ‌گونه عوض مالی در مقابل آن گرفته نمی‌شود.^{۱۰}

۱. بستانی، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۵۴۹؛ محلی الشافعی، الانصاح عن عقد النكاح على المناهِب الاربعة، ص ۸۲

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۸۴.

۳. «في حدیث أم حبیبة: وأمهرون النجاشي من عنده: ساق لها مهروها. وهو الصداق». (همان، ج ۵، ص ۱۸۴)

۴. ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والاثر، ج ۴، ص ۳۷۴.

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۳۸۹.

۶. ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والاثر، ج ۳، ص ۱۸.

۷. «أَتُوا النِّساءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء (۴): ۴).

۸. جر، فرهنگ لاروس، عربی به فارسی (ترجمه المعجم العربي الحديث)، ج ۲، ص ۱۸۲۶.

۹. قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۳۶.

۱۰. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۹۵.

خداآوند متعال در قرآن کریم از این نماد، استفاده می‌کند و می‌فرماید: «مهر زنان را (به‌طور کامل) به‌عنوان یک بدھی (یا عطیه) به آنان پردازید، ولی اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما بخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.»^۱ در تفسیر نمونه در ذیل آیه، از مهر به «صَدَاقٌ» و «نِحْلَةً» تعبیر شده است و مهر را از آن جهت صَدَاقٌ می‌گویند که نشانه صادقانه بودن علاقه مرد است یا به‌خاطر آنکه نشانه صدق ایمان است.^۲

«نِحْلَةً» یعنی بخشش از روی رضای خاطر، به کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه اهدایی، پیشکشی و عطیه دارد.

نتیجه آنکه مهر از نظر اسلام یک پیش‌کش و هدیه به زن است و هیچ‌یک از والدین حقی به آن ندارند. بنابراین در توضیح می‌توان افزود: نِحْلَه هدیه‌ای است که تبرعاً^۳ پرداخت می‌شود و یک نوع خاص از هبہ می‌باشد، هر هبہ‌ای نحله است. اما هر نحله‌ای هبہ نیست و به نظر می‌رسد از کلمه نحل (زنیور عسل) با توجه به فعل آن مشتق شده، زیرا زنیور بر روی همه چیز می‌نشینند، اما ضرری به آنها نمی‌رساند و در عوض بیشترین نفع را می‌رساند، او چیزی را تحويل می‌دهد که در آن شفا است، همان‌طور که خدای متعال وصف نموده است.^۴

۳. فَرِيضَة

جمع آن فَرِيضَ است و از لحاظ لغوی به معنای میزان و مقدار آمده است.^۵ این واژه در قرآن کریم در آیه ۲۳۷ سوره بقره به کار رفته است که معنا و مفهوم آن در آیه مذکور چیزی جز مهریه و کاین نمی‌باشد. «و هرگاه زنان را پیش از همبستری طلاق دادید، نیمی از مهر آنان را پرداخت نمایید.»^۶

۴. أَجْر

یکی دیگر از کلماتی که در معنای مهر استعمال شده است، واژه أَجْر می‌باشد. وَأَجْرُ الْمَرْأَة: یعنی

۱. «وَأَتَوْا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طَبِنَ لَكَذَ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ تَنْفَسًا فَكُلُّهُ هَيْبَةً مَرِيًّا» (نساء (۴): ۲۳۷).

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۲.

۳. تبرع: بخشش بدون درخواست.

۴. ابو یعلی، مسنند ابی یعلی، ج ۸، ص ۳۰ و ۵۵؛ ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۶؛ دیلمی، الفردوس، ج ۲، ص ۳۰۵؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۴، ص ۳۶۵.

۵. معلوم، المنجد فی اللغة والاعلام، ص ۵۷۷

۶. عر «وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فِرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ» (بقره (۲): ۲۳۷).

مَهْرٌ أَنْ زَنٍ^۱ كَه جَمْعُ آنَّ أَجُورٍ است و در قرآن کریم آمده: «أَجُورُ آنَّهَا رَأَيْتُهَا، واجب است بپردازید»^۲ که کنایه از مهریه و کابین زنان دارد.^۳ همچنین خداوند در قرآن کریم، ضمن آنکه احکامی برای زنان پیامبر ﷺ آورده، تحت همین نام به مهریه اشاره فرموده است.^۴ و تعبیر «آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ» به این نکته اشاره دارد.

۵. نافِحة

نافِحة در لغت به معنای فرونی است. جمع آن نَوَافِح و مؤنث نافِحة است. معانی مختلفی برای آن ذکر شده، از جمله: ابری که باران بسیار داشته باشد، بادی که با شدت آغاز به وزیدن کند و دختر که با مهریه خود دارایی پدرش را زیاد کند.^۵ نافِحة از کلماتی است که عرب در دوران جاهلیت از آن، در خصوص مهر استفاده می‌کرده است.^۶ چراکه در میان بادیه‌نشینان رسم براین بود که خواستگار برای پرداخت مهریه، تعدادی شتر را تا خیمه زن می‌آورد، تا اینکه به دلیل کثیر استعمال این کلمه بر مبنای مهریه دلالت کرده است.^۷ لذا به شتری^۸ گفته می‌شد که هنگام ازدواج از سوی خانواده داماد به عروس پیشکش می‌شد، و بنابر رسم، این مهریه به پدر و اولیای دختر تعلق می‌گرفت و به گله شتران پدر و قبیله دختر افزوده می‌شد.^۹

۶. حُلْوان

حُلْوان معانی متعددی دارد، از جمله حق دلالی یا رشو و هدیه‌ای که علاوه بر مزد، به کسی داده می‌شد و چون در میان اعراب جاهلی مهریه به ولی زن تعلق می‌گرفت، این کلمه در معنای مهریه نیز به کار می‌رفت.^{۱۰} لذا «حُلْوانُ الْمَرْأَة» یعنی مهر زن، همچنین آمده: مهر المتعه‌ای است

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۰.

۲. «فَاقْتُوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۴؛ ۲۴).

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۵۲.

۴. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَنَا لَكَ أَرْوَاحَ الَّذِي أَتَيْتَ أَجُورَهُنَّ...»: ای پیامبر، ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای، برای تو حلال کردیم». (از حزاب: ۳۳؛ ۵۰).

۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

۶. ع ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۲.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۱۰.

۸. در منابع از نوع و سن و سال شتران چیزی ذکر نشده.

۹. نیشابوری، مجمع الامثال، ج ۲، ص ۳۶۸.

۱۰. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۹۵.

که به زن در مکه تعلق می‌گرفت^۱، و آن مقدار از مهر دختر بود که پدر برای خودش برمی‌داشت، و این کار نزد عرب ننگ بود^۲ و حلوان آن چیزی است که مرد، از مهر دخترش، برای خود برمی‌دارد.^۳ و شاعر می‌گوید: وَنَأْخَذُ الْحُلُوانَ مِنْ بَنَاتِنَا، یعنی: از دخترانمان حلوان می‌گیریم.^۴

پیشینه تاریخی مهربه در جامعه عرب قبل از اسلام

شكل اصلی و رایج نکاح در میان اقوام عرب، ازدواجی به نام «بعولة» (پیوند زناشویی) بوده است.^۵ بر مبنای این ازدواج، مرد (بعل) و زن (بعلة)، همسران یکدیگر می‌شدند و هرگاه با این ازدواج، فرزندی زاده می‌شد، آن فرزند در نسب تابع پدر بود. در شکل عادی، ازدواج بر سه عنصر «خواستگاری»، «مهربه» و «عقد» تکیه داشت.^۶

ساختار قبیله‌ای و شیوه معیشت اعراب جاهلی^۷ و پس از آن، زیبایی و نسب دختر در قبیله سبب شده بود تا میزان مهربه در میان آنها، متفاوت باشد.^۸ و بنابر تعصبات و تفاخرات جاهلی، به برتری‌های قبیله در جنگاوری و ثروت بستگی یابد.^۹ مهربه به مرور وسیله‌ای برای تفاخر شد و مهر بیشتر نشانه بزرگی و مطلوبیت زن به حساب می‌آمد.^{۱۰} قبایلی که در شرافت و بزرگی در میان اعراب جایگاهی داشتند، ارقام بسیار هنگفت در ازدواج قرار می‌دادند، چنان‌که قبیله کنده حداقل ۱۰۰ شتر از خانواده داماد دریافت می‌کرد.^{۱۱} (این همان قبیله‌ای است که به غلو مهربه در میان اعراب مشهور بوده است).

مهربه خدیجه ﷺ که از بزرگان قبیله قریش به حساب می‌آمد، در ازدواج با پیامبر ﷺ — قبل از

۱. «الْحُلُوانُ الْمَرْأَةُ مَهْرُهَا، وَقِيلٌ: هُوَ مَا كَانَتْ تُعْطِي عَلَيْ مُتَعَيْنِهَا بِمَكَّةَ». (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۹۳)
۲. همان.
۳. حُلُوانُ: مَا أَحَدُ الرِّجَلِ أَيْضًا لِنَفْسِهِ مِنْ مَهْرِ ابنته.
۴. بلوی المالقی، کتاب ألف باء فی أنواع الأداب وفنون المحاضرات واللغة، ج ۱، ص ۵۶۳.
۵. آلوی، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، ج ۲، ص ۳.
۶. ع همان.
۷. از نظر زمانی، دوران قبل از بعثت پیامبر ﷺ تا - حدакثر - ۲۰۰ سال را دوران جاهلی می‌نامند. (شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربي، ص ۳۸).
۸. علی، المفصل، ج ۵، ص ۵۲۷.
۹. ترمانیینی، زواج عند العرب، ص ۱۳۶.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۲؛ دینوری، غریب الحديث، ج ۱، ص ۲۵۵.
۱۱. زمخشیری، ربیع الابرار، ج ۵، ص ۲۴۴؛ خوارزمی، مفید العلوم، ص ۴۸۸.

بعثت آن حضرت - ۲۰ شتر جوان بود.^۱ و در نقلی آمده که ۲۰ شتر را جناب ابوطالب به عهده گرفت.^۲ ضمناً در میان بادیه‌نشینان رسم بر این بود که خواستگار برای پرداخت مهریه، تعدادی شتر را تا خیمه زن می‌آورد، در حالی که عرب شهرنشین، وجه نقد (درهم و دینار) را ترجیح می‌داد.^۳

نوع و مقدار مهریه در بین زنان مکه در عصر نبوی

قبل از هجرت، برای تعیین میزان مهریه در بین اعراب، روش یکسانی وجود نداشت و پایین‌ترین و بالاترین حد میزان مهریه مشخص نبود، بلکه به اتفاق نظری بستگی داشت که بین دو طرف ایجاد می‌شد و با توجه به اختلاف جایگاه و ثروت اشخاص تفاوت داشت. آنها بیشتر از «عین» (زمین و شتر) به عنوان مهریه استفاده می‌کردند. تعداد شتران نیز به جایگاه زن در قوم و حسن و جمال او بستگی داشت.^۴ گاهی اوقات تعداد این شترها به ۱۰۰ و ۱۵۰ نفر نیز می‌رسید. در میان شهرنشینان، اغلب مهریه به صورت درهم و دینار بود. به عنوان نمونه حارث بن سلیل اسدی، موقع ازدواج با زباء دختر علقمه،^۵ مهریه را ۱۵۰ شتر و ۱۰۰۰ درهم قرار داد.^۶ گاهی مقدار زیادی زمین به عنوان مهریه در نظر گرفته می‌شد، آنچنان که حارث بن عمرو بن حجر کندی رئیس قبیله «کنده»^۷ به ام ایاس - دختر زیبای عوف بن محلم شیبیانی - زمین فراوانی در کنده به عنوان مهر داد.^۸ مردم عرب‌تبار، فزونی مهر را دلیل بر علو شان و مقام خود می‌دانستند و به فراوانی مهر افتخار می‌کردند.^۹

نوع و مقدار مهریه در بین زنان مدینه در عصر نبوی

زنان در میان اهل مدینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند، به طوری که مهاجران مدینه را تحت

۱. قاضی ابرقو، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. لیمود، متنقی النقول فی سیره أعظم رسول، ص ۱۳۹.

۳. ترمذی، الزواج عند العرب فی الجاهلية والاسلام، ص ۱۴۲.

۴. همان.

۵. زباء [زَبْ] با [لَحْ] دختر علقمه بن خصفه طائی است. وی از زیباترین زنان روزگار خویش به شمار می‌رفت. و حارث بن سلیل اسدی دوست علقمه بود.

۶. ع عسکری، جمہرة الامثال، ج ۱، ص ۲۶۲.

۷. پدر بزرگ امراء القیس شاعر.

۸. ابن عبد ربه، العقد الفريد، ج ۶، ص ۱۱۴.

۹. ابن حبیب، المحبوب، ج ۱، ص ۲۴۹.

تأثیر قرار داده و نفوذ زنان در مدینه آنان را شگفتزده ساخت. آمده است که عمر بن خطاب پس از مهاجرت به مدینه می‌گوید: هنگامی که در میان قریش بودیم بر همسران خود چیرگی داشتیم، تا اینکه بر انصار وارد شدیم و دیدیم که زنانشان بر مردان چیرگی دارند و از این پس بود که زنان ما نیز این شیوه را از آنان آموختند.^۱ از سویی خلق و خوا، آداب و رسوم و فرهنگ ساکنان مدینه با مردمان مکه متفاوت بود، ساکنان مدینه بیشتر با کشاورزی روزگار می‌گذرانند و مکیان تاجر بودند و هر کدام از این نوع زندگی‌ها ملزمات خاص خود را می‌طلبید. بر همین اساس یکی از مسائلی که در تعیین میزان مهربه در دوره و عصر پیامبر ﷺ نقش مؤثری داشت، عرف جامعه بوده است، چنان که آن حضرت مقدار صداق را همانی می‌دانست که در بین مردم رواج داشت.^۲

در گزارشی آمده است که ثابت بن قیس بن شمام از قبیله خزر، در مدینه نخلستانی با بیش از ۵۰۰^۳ یا ۵۰^۴ نخل داشت. او یکی از باغ‌هایش را مهربه زنش حبیبه دختر سهل انصاری نمود.^۵ تا آنکه حبیبه، خواهان جدایی از همسر خود شد و نزد پیامبر ﷺ آمد و خواسته‌اش را مطرح کرد. پیامبر ﷺ پرسید: آیا آن باغ که بابت مهربه تعیین شده، اکنون در اختیارت می‌باشد؟ حبیبه پاسخ داد: بله، پیامبر ﷺ از ثابت بن شمام خواست با قبول باغ که مهر حبیبه بود، او را طلاق دهد.^۶

دختران پیامبر ﷺ

آن گونه که در منابع آمده رسول خدا ﷺ چهار دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه زهرا ﷺ داشته است^۷ که در این قسمت از پژوهش، میزان و مقدار مهربه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.^۸

۱. ابن هشام، السیرة النبوية، ج ۴، ص ۷۴ و ۷۸۰ طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۷ - ۶۶.

۲. «روی الدارقطنی عن أبي سعید. قال: سأّلنا رسول الله صلی الله عليه وسلم عن صداق المرأة النساء، قال: هوما اصطلاح عليه أهلو هم از رسول الله ﷺ درمورد صداق زنان پرسیدیم فرمود: همان است که بین مردم رایج است.» (الصالحی الشامی، سبل الهدی، ج ۹، ص ۲۹۱).

۳. طبری، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۸.

۴. قرطبي، تفسیر قرطبي، ج ۷، ص ۷۲ ثعلبي، تفسیر ثعلبي، ج ۴، ص ۱۹۸؛ فخر رازی، التفسیر الكبير، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

۵. ابن سعد، الطبقات الكبيری، ج ۸، ص ۴۴۵؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۵، ص ۴۱۷، ۴۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۸، ص ۸۱.

۶. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۶۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۱۲.

۷. ابن سعد، الطبقات الكبيری، ج ۸، ص ۱۷۴؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۸، ص ۱۳۸.

۸. هرچند برخی فقط فاطمه زهرا ﷺ را دختر آن حضرت دانسته و معتقدند، دختران دیگری که به پیامبر ﷺ نسبت داده شده‌اند، دختران خدیجه ﷺ و ریبه‌های پیامبر اکرم ﷺ بوده‌اند.

۱. مقدار مهریه زینب (۸ ق)

زینب که مسلمان شد، رابطه زناشویی او با «ابو العاص بن ریبع» - نام وی «لقیط»^۱ و فرزند هاله، خواهر خدیجه^۲ بود و پیش از بعثت با او ازدواج کرده بود - به تیرگی گرایید، ابوال العاص نه اسلام آورد و نه حاضر به طلاق زینب شد و از آنجاکه پیامبر^۳ در مقابل قریش هیچ قدرتی در مکه نداشت، نتوانست آنها را از هم جدا و ابوال العاص را مجبور به طلاق زینب نماید.^۴ ابوال العاص سپس در ماه محرم سال هفت هجری در حالی که مسلمان شده بود، به مدینه هجرت نمود و به حضور رسول اکرم^۵ رسید.^۶ پیامبر^۷ بعد از شش سال جدایی، زینب را با همان عقد زناشویی پیشین نزد او فرستاد.^۸ برخی نیز (بدون قید مقدار و نوع مهریه) گفته‌اند، آن حضرت عقد را تجدید نمود و زینب را با مهر و نکاح جدید به زوجیت ابوال العاص درآورد.^۹ ابن کثیر (۷۷۴ ق) گزارش کرده که پیامبر^{۱۰}، مبلغ ۱۲ اوقیه^{۱۱} و یک نش^{۱۲} جمعاً معادل ۵۰۰ درهم آن زمان را به عنوان مهریه، تعیین نموده است.^{۱۳}

۲. مقدار مهریه رقیه (۲ ق)

رقیه پیش از اسلام با پسر عمومی پدرش «عتبه بن ابولهبه بن عبدالملک» ازدواج کرد که از مهریه او گزارشی در دست نمی‌باشد. پدر و مادر عتبه پس از نزول سوره مبارکه «مسد» فرزند خود را مجبور کردند تا همسر خود - رقیه - را طلاق دهد.^{۱۴}
البته پیامبر^{۱۵} قبل طلاق رقیه را از عتبه خواسته بود و خود رقیه نیز به دلیل مسلمان شدن

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاعه، ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۵۰.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳؛ واقدی، السیره المغازی، ج ۲، ص ۵۵۳؛ ابو داود، سنن، ص ۲۷۲.

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۹؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۴، ص ۲۲۲ و ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۴، ص ۱۲۲.

۶. اوقیه شرعی در قرون نخستین اسلامی در مکه معادل ۴۰ درهم می‌باشد. (هیتنس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ص ۵۴ به بعد)

۷. نش: نصف اوقیه و معادل ۲۰ درهم است.

۸. ابن کثیر، البداية، ج ۷، ص ۳۴۲.

۹. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۱.

خواستار طلاق بود.^۱ پس از آن، رقیه با مهریه ۱۲ اوقيه و يك نش به ازدواج عثمان درآمد.^۲ ابن اثیر (۶۲۰ق) در مورد تاریخ وقوع این ازدواج می‌گوید: «زمانی که عثمان اسلام آورد، رسول خدا ﷺ دخترش رقیه را به همسری او در آورد.»^۳

۳. مقدار مهریه ام کلثوم (۹ق)

ام کلثوم در زمان جاهلیت با «عتیبة بن ابولهب» ازدواج کرد. زمانی که سوره مبارکه «مسد» در مذمت ابولهب و همسرش نازل شد،^۴ بزرگان قريش و پدر و مادر عتبیه از او خواستند که دختر محمد ﷺ را رها کند و در مقابل، دختر «سعیدبن عاص» را تزویج کند. او نیز ام کلثوم را طلاق داد و با دختر سعید ازدواج کرد.^۵ زمانی که رقیه دختر بزرگ‌تر حضرت از دنیا رفت، ام کلثوم در سال سوم هجرت، به عقد عثمان بن عفان درآمد.^۶ بعضی از منابع روایی^۷ خواسته‌اند که تحقق چنین پیوندی را به وحی استناد دهند، ولی بعضی از علماء نسبت به سلسله اسناد چنین روایتی تردید کرده و غالباً به نفی اصالت آن نظر داده‌اند.^۸ طبق نقلی پیامبر ﷺ با همان مهریه رقیه، ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد.^۹ ازدواج آنها در ربيع الاول سال سوم هجرت صورت گرفت و ام کلثوم تا پایان عمر همسر عثمان بود.^{۱۰}

۴. مقدار مهریه فاطمه (۱۱ق)

حضرت فاطمه ﷺ دارای خواستگاران بسیاری در بین صحابه بود،^{۱۱} ولی پیامبر ﷺ درخواست ازدواج آنها را نپذیرفت^{۱۲} و دخترش را به عقد علی ﷺ درآورد. در بین خواستگاران، عمر و ابوبکر

۱. بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن اثیر، *أسد الغابة*، ج ۵، ص ۴۵۶.
۲. ابن کثیر، *البداية*، ج ۷، ص ۳۴۲.
۳. ابن اثیر، *أسد الغابة*، ج ۳، ص ۳۷۶.
۴. همان، ج ۶، ص ۳۸۴.
۵. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۰۱.
۶. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴.
۷. ابن ماجه، *سنن ابن ماجه*، ص ۵۳.
۸. همان، ص ۵۴؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، ص ۲۶۴؛ ابن حجر، *تهذیب*، ج ۹، ص ۳۳۶.
۹. فسوی، *المعرفة*، ج ۳، ص ۱۵۹؛ ابن حجر، *الإصابة*، ج ۸، ص ۴۶۱.
۱۰. طبری، *تاریخ*، ج ۱۱، ص ۵۹۵؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۹۵۲.
۱۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۲۵۲؛ نسائی، *سنن*، ج ۶، ص ۶۲.
۱۲. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۱.

هم دیده می‌شدند.^۱ افرادی نیز، همچون عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان، خواستگار فاطمه[ؑ] بودند که مهریه‌های بالایی را پیشنهاد می‌نمودند.

از انس بن مالک روایت شده، عبدالرحمن در ازای ازدواج با فاطمه[ؑ] حاضر بود ۱۰۰ شتر سیاه‌موی که همگی آنها محملي از جنس پارچه‌های مصری به همراه داشتند به عنوان مهریه پیشکش نماید، عثمان نیز حاضر بود همین مهریه را پرداخت کند.^۲ اما پیامبر^ص از آنها روی برگرداند و منتظر ماند، تا آنکه علی[ؑ] قدم پیش نهاد و با آنکه تهی دست بود، پیامبر^ص پس از مشورت با دخترش درخواست او را پذیرفت.

درخصوص میزان مهریه فاطمه[ؑ] در بین مورخان اختلاف است. زیرا برخی آورده‌اند که فقط زرهی بود که علی[ؑ] در آستانه برپایی مراسم به فرمان پیامبر^ص آن را فروخت و بهایش را نزد ایشان برد^۳ و پیامبر^ص نیز با آن پول، برای دخترش جهیزیه و سایر وسائل تهیه نمود. برخی دیگر علاوه بر زره به چیزهایی دیگر اشاره نموده‌اند،^۴ و برخی مبلغ مهریه فاطمه[ؑ] را به سکه نقره رایج آن زمان بیان داشته‌اند.^۵

نوع و میزان مهریه حضرت فاطمه[ؑ] در منابع شیعه

۱. کلینی (۳۲۸ ق) با اسناد مختلف، از قول امام باقر و امام صادق^ع نقل کرده: مهریه حضرت فاطمه[ؑ] لباس یمنی کهنه و زرهی بود و فرش خانه او پوست میشی که آن را می‌انداختند و بر روی آن می‌خوابیدند.^۶
۲. شیخ طوسی (۴۶۰ ق) با واسطه از علی[ؑ] نقل می‌کند که مهریه حضرت فاطمه[ؑ] زره حُطَمَيَّه بوده است.^۷
۳. برخی گزارش‌ها مهریه آن حضرت را یک «زره حُطَمَيَّه» به مبلغ ۳۰ درهم می‌دانند^۸ و شاهد

۱. همان.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص ۳۰۶.

۳. اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۵۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۷.

۴. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۲.

۵. خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۷.

۶. عکان صداق فاطمه[ؑ] حرد برد حیره و درع حُطَمَيَّه و کان فراشها اهابت کبشن بلقیانه یفرشانه و بیnaman عليه. (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۸ – ۳۷۷)

۷. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۳۶۴.

۸. حمیری، قرب الاستاد، ص ۶۳۴؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۷؛ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۳۶۴.

مثال ایشان فرمایش امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: پیامبر ﷺ فاطمه علیها السلام را به یک زره

^۱ حطمیه که ارزش آن به ۳۰ درهم می‌رسیده تزویج کرده است.

۴. در گزارش ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون آمده است زمانی که امام، أم الفضل دختر

عبدالله المأمون را به عقد خود درآورد، فرموده است که ام الفضل را با مهربه جدهام فاطمه علیها السلام

^۲ دختر محمد علیه السلام که ۵۰۰ درهم بوده، به عقد خود درمی‌آورم.

نوع و میزان مهربه حضرت فاطمه علیها السلام در منابع اهل سنت

منابع حدیثی اهل تسنن، نوع و میزان مهربه فاطمه علیها السلام را مختلف گزارش نموده‌اند:

۱. ابن سعد (۲۳۰ ق) اقوال مختلفی را در این رابطه ذکر می‌نماید: از عبیدالله بن موسی، از

اسرائیل، از جابر، از محمدبن علی باقر علیها السلام روایت نموده که کابین فاطمه علیها السلام بردی ^۳ کهنه و پوست

دباغی شده گوسفندی بوده است ^۴ و همچنین از قول سفیان بن عینه از عمرو، از عکرمه نقل

کرده که علی علیها السلام با یک زره آهنی آستین کوتاه، فاطمه علیها السلام را به عقد خود در آورده است. ^۵ ابن حجر

^۶ (۸۵۲ ق) این حدیث را مرسل اما صحیح الاسناد دانسته.

ابن سعد به نقل از وکیع بن جراح از منذرین ثعلبه و از علباء بن احمر یشکری نقل کرده که

علی علیها السلام فاطمه علیها السلام را به همسری گرفت و «بعیر» ^۷ شتر خود را به ۴۸۰ درهم فروخت ^۸ و

بالاصله در ادامه به نقل از محمدبن فضل از یحیی بن سعید از محمدبن ابراهیم روایت می‌کند

که می‌گفته است: «کابین دختران و همسران حضرت ختمی مرتبت همواره ۵۰۰ درهم، معادل

^۹ اوقیه بوده است».

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۸.

۳. [ب^۱] (ع [۱]) نوعی از جامه (نفت‌نامه دمخته) جامه‌ای بوده است قیمتی و گران‌بها و پارچه‌ای که در یمن بافت
می‌شده یا خاص یمن بوده است. (مهرذب الاسماء)

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۰.

۵. همان، ص ۲۲.

۶. ابن حجر، الاصابة، ج ۴، ص ۳۶۵.

۷. بعیر [ب / ب] (ع [۱]) شتر نه ساله و یا چهارساله (نفت‌نامه دمخته) و گاهی درناقه هم استعمال کنند. (متھی الارب)

۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹؛ راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، ج ۴، ص ۴۷۷.

۹. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹.

۲. عده‌ای معتقدند مهریه حضرت فاطمه^ع فقط «دِرْعُ الْحُطَمَيَّةِ»^۱ یعنی زره حطمیه بوده است.^۲
۳. برخی نیز مهریه آن حضرت را بُرد کهنه «جَرْدٌ بُرد» و «دِرْعُ حُطَمَيَّةِ» می‌دانند.^۳
۴. بیهقی (۴۵۸ ق) مهریه ایشان را زرهی آهنی، و سبوبی گرد (جره دوار) می‌داند.^۴
۵. برخی نیز گزارش نموده‌اند که رسول الله^ص دخترش را با ۴۸۰ درهم به عقد علی^ع مبلغ درآورد.^۵ علاوه بر آن برخی دیگر ضمن تأیید این مطلب، تأکید دارند که حضرت علی^ع حاصله را از فروش «زره آهنی» به دست آورد.^۶
- ۶ گروهی دیگر می‌گویند مهریه آن حضرت ۴۰۰ درهم بوده است.^۷
۷. محب الدین طبری (۶۹۴ ق) از عطاء بن ابی رباح نقل می‌کند: پیامبر^ص به علی^ع فرمود: از مال دنیا چه داری؟ علی عرض کرد: ای پیامبر خدا شما وضع مرا بهترمی‌دانید: یک شتر و یک شمشیر و یک زره دارم، پیامبر^ص برای فروش زره موافقت فرمود و علی^ع زره را ۴۸۰ و یا ۵۰۰ درهم فروخت.^۸
۸. سیوطی (۹۱۱ ق) می‌گوید که حضرت علی^ع به امر پیامبر^ص زره خود را به ۱۲ اوقیه فروخت و آن را مهریه فاطمه^ع قرار داد.^۹ (هر اوقیه ۴۰ درهم بوده و مجموعه آن ۴۸۰ درهم می‌شود).

-
۱. این زره به طائفه‌ای از عبدالقیس که به آنان حطمین حارت گفته می‌شد و شغل آنها درست کردن زره بود، نسبت داده شده است و هر شمشیری که با آن برخورد می‌کرد شکسته می‌شد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۰).
۲. ابن حبان، صحيح، ج ۹، ص ۴۹؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۴۰۹؛ ابو داود، سنن، ج ۱، ص ۴۹۰؛ طوسی، امامی، ج ۱، ص ۳۹؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۵؛ ابن حجر، الاصادبة، ج ۴، ص ۳۶۵.
۳. جرد. [ج] [ع ص، ا] جامه کهنه فرسوده (متهم الارب).
۴. بیهقی، السنن الكبير، ج ۸ ص ۲۱؛ ابن اثیر، اسد الغابۃ، ج ۴، ص ۳۷۷.
۵. بیهقی، السنن الكبير، ج ۷، ص ۲۳۵.
۶. ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص ۲۷۵؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۳۹؛ زرندی، نظم درر السمطین، ص ۱۸۳؛ هیتمی، صواتن المحرقة، ص ۸۰؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۶۲.
۷. احمد، مسنن، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۵۰؛ ابن عبدالبار، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر، اسد الغابۃ، ج ۷، ص ۲۱۶.
۸. عسکری، اوائل، ص ۵۳؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۷؛ ابن اثیر، اسد الغابۃ، ج ۵، ص ۵۲۰؛ گنجی، کفاية الطالب، ص ۲۹۸؛ ذہبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱.
۹. طبری، ذخائر العقبی، ص ۳۳.
۱۰. سیوطی، الشغور الباسمة، ص ۷.

بررسی و تحلیل مهریه حضرت فاطمه

۱. امام علیؑ برای تأمین مهریه همسرش وسیله‌ای را فروخته است، ولی در اینکه چه بوده و به چه قیمت فروخته شده، نظر واحدی وجود ندارد. نوع و میزان مهریه حضرت فاطمهؓ در منابع شیعه و اهل تسنن مختلف گزارش شده است. به عنوان نمونه ابن سعد (۲۳۰ ق) فقط به ذکر اقوال مختلف بسته کرده و قول ترجیحی را بیان نکرده است. ولی می‌توان با جرأت گفت که مقدار مهریه حضرت فاطمهؓ از ۵۰۰ درهم فراتر نرفته است. حال ممکن است این ۵۰۰ درهم نقره، پول زره، یا حاصل مجموع پول زره و چند چیز دیگر باشد. هر چند ظاهراً در بهای آن اختلاف وجود دارد، اما این اختلاف قیمت، قابل توجیه می‌باشد و با آنکه فقهاء در اینکه ۵۰۰ درهم معادل چه مقدار نقره است مختلف القول می‌باشند، ولی صرف نظر از برخی از اختلافات، اکثر آنان معتقدند ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲ مثقال صیری نقره خالص می‌باشد.^۱ مرحوم سبزواری (۱۴۱۴ ق) نیز قیمت هر درهم را چیزی معادل ۲/۶ گرم نقره بیان نموده است.^۲
۲. درخصوص اینکه روایت امام صادقؑ – که فرموده‌اند: ارزش زره ۳۰ درهم بوده – چگونه با ۴۰۰ و یا ۴۸۰ و یا ۵۰۰ درهم سازش دارد؟ می‌توان گفت که فقط در دو یا سه مورد از روایات به چنین چیزی اشاره شده که ارزش زره ۳۰ درهم بوده است و این گزارش، با گزارش‌های فراوان دیگر، در تعارض است و امکان اشتباه و تصحیف^۳ دینار در آن وجود دارد.
۳. پس از آنکه علیؑ فاطمهؓ را از رسول خدا ﷺ خواستگاری نمود، اولین سؤال پیامبر ﷺ آن است که علیؑ به عنوان مهریه چه دارد، در اینجا حضرت با مطرح کردن این سؤال تلویحاً بر ضرورت وجودی مهریه تأکید دارند.
۴. حضرت رسول ﷺ در تعیین مهریه، تمکن مالی علیؑ را در نظر گرفته و هر آنچه که داماد دارد را به عنوان مهر می‌پذیرند و چیزی که از عهده علیؑ بر نیاید را بر ایشان تحمیل نمی‌کنند.
۵. با آنکه حضرت رسول ﷺ، شناخت کاملی از علیؑ داشتند، پرداخت مهریه را موكول به آینده نکردند و مضافاً هیچ‌گونه مبلغی را بر ذمه علیؑ نگذاشتند.

۱. خواجهی، جامع الشتات، ج ۴، ص ۴۸۶؛ نراقی، رسائل و مسائل، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حلی، تبصرة المتعلمين، ج ۲، ص ۵۴۳.

۲. سبزواری، مهذب الأحكام، ص ۷۳.

۳. از اصطلاحات علم درایه و حدیث‌شناسی. تصحیف در لغت به معنای خطای در صحیفه (ابن منظور، لسان العرب، ذیل «حرف» و «صحف»).

۶. مسلمًاً اگر دارایی علی ﷺ بیش از ۵۰۰ درهم بود یا ارزش زره فراتر از این مبلغ می‌شد، با توجه به سیره رسول الله ﷺ مبلغ مهر از ۵۰۰ درهم فراتر نمی‌رفت.

میزان قدرت خرید مهریه حضرت فاطمه ؓ

پیامبر ﷺ با پول مهریه مقداری وسیله به عنوان جهیزیه تهیه کردند. دقت در جزئیات گزارش خریدهای انجام شده - آن گونه که در منابع شیعه و اهل سنت از آن یاد شده - می‌تواند ما را در رسیدن به ارزش قیمتی مهریه یاری رساند.

مقدار جهیزیه حضرت فاطمه ؓ

۱. برخی از منابع از قول حضرت علی ؓ نقل کرده‌اند که رسول الله ﷺ برای جهاز فاطمه ؓ وسائلی را تهیه نمود که عبارتند از: پارچه‌ای محملین، مشک آب و بالشی از پوست که با برگ (لیف خرما) یا گیاه خوشبویی به نام اذخر پر شده بود.^۱

۲. برخی به نقل از علی ؓ می‌گویند: هنگامی که رسول الله ﷺ فاطمه ؓ را به ازدواج او درآورد، همراه او پارچه‌ای محملی، بالشی پرشده از لیف، دو سنگ دستاس، ظرف آبخوری و دو عدد سبو فرستاد.^۲

۳. برخی از انس روایت می‌کنند که رسول الله ﷺ فرمود که جهیزیه تهیه شود، پس جهیزیه‌ای خریداری شد که تشکیل شده بود از: تخت روکش‌دار و بالشی از پوست که از برگ خرما پرشده بود، پارچه یا پرده محمل، ظرف آبخوری، مشک آب، دو عدد سبو، دلو آب از پوست، الک، دستمال یا حوله، قدح، پوست گوسفند، دو سنگ آسیا (دستاس) و فرمود کف خانه را ماسه ریختند و برای آنان زیتون و انجیر خشک یا مویز آورد.^۳

۴. برخی از قول ابن عباس نقل کرده‌اند: هنگامی که رسول الله ﷺ فاطمه ؓ را به علی ؓ تزویج کرد، به آنها تخت و ظرف آبخوری، بالشی پرشده از لیف خرما، مشک آب، دلو آب و شن صحراء که کف خانه را با آن پوشاندند، اهدا نمود.^۴

۵. طبق اقوال دیگر، پیامبر ﷺ مبلغ مهریه را سه قسمت کرد، قسمتی را به بلال داد، تا از آن

۱. شبیانی المروزی، المستند، ج، ۱، ص ۱۰۸؛ نیشاپوری، المستدرک، ج، ۲، ص ۱۸۵.

۲. ابن جوزی، صفة الصفوة، ج، ۲، ص ۴؛ ابن کثیر، البایة، ج ۶، ص ۳۴۲؛ ابن حجر، الاصابة، ج، ۴، ص ۳۶۸.

۳. قسطلانی، المواعظ اللدنیة، ج، ۲، ص ۴؛ حضرمی، رشفه الصادی، ص ۱۰.

۴. زرندی، نظم درر السقطین، ص ۱۸۸؛ سیوطی، الشغور الباشه، ص ۷.

عطری خوشبو تهیه کند، و دو قسمت دیگر را برای تهیه وسایل زندگی و لباس تعیین فرمود.
بدین‌گونه پیامبر ﷺ، با آن پول، وسایل بسیار ساده یک زندگی مشترک که حداقل لوازم بود را تهیه نمود که سیاهه این وسایل و بهای بخشی از آنها موجود است.^۱

عابوداود به سند خود از قتاده و او هم از حسن بصری و او از انس بن مالک روایت کرده که زمانی که علی ﷺ پول حاصله را نزد پیامبر ﷺ گذارد، پیامبر ﷺ مقداری از آن مبلغ را برداشته و به بلال داده و از او خواست که با مقداری از آن، عطر بخرد و آنگاه به اصحاب می‌فرماید برای علی و فاطمه یک تخت بخرند و یک بالش که محتوای آن از لیف خرما بوده وکف خانه را از رمل و شن نرم پر کنند.^۲

۷. فهرستی که شیخ طوسی (۴۶۰ق) برای جهاز نوشته، چنین است: پیراهن عروس به قیمت هفت درهم، عبا چادر قطوانی کوفه‌ای، روسربی بزرگ به چهار درهم، رواندار سیاهرنگ، تختخواب عربی از چوب و لیف خرما، دو تشك از کتان مصری، چهار بالش که دو تا از پشم و دو تای دیگر از لیف خرما بوده، یک عدد پرده نازک از جنس پشم، یک قطعه حصیر از اطراف بحرین قَطْرَ، دستاس جهت آرد کردن گندم که از سنگ ساخته شده بود، طشت مسی برای خمیر کردن آرد و شستن لباس، ظرف آب مشک که از پوست بزغاله بود، قدحی چوبی برای شیر و دوغ، مشکی جهت سرد شدن آب، آفتابه و لگن، بستوی سبز رنگ جهت نگهداری روغن، کتری سفالی شبیه آفتابه، فرش از پوست حیوان جهت نشستن و مشک آبی برای کارهای متفرقه.^۳

بررسی و تحلیل میزان قدرت خرید مهربه حضرت فاطمه ؑ و معادل ریالی آن در عصر حاضر

۱. توجه به این نکته ضروری است که اصولاً پول در آن زمان‌ها ارزش بیشتری داشته است و ارزش ۵۰۰ درهم در زمان رسول خدا ﷺ خیلی بیشتر از ۵۰۰ درهم در این زمان بوده است، به‌طوری‌که ۵۰۰ درهم، پول یک زره – یعنی از ارزشمندترین ابزارهای جنگی آن زمان – بوده است.
۲. حضرت علی ﷺ پس از آنکه زره خود را حداکثر به قیمت ۵۰۰ درهم آن روزگار به فروشن رسانید،

۱. اربلی، *کشف الغمہ*، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲. ابن قندوزی، *پیایع المودة*، باب ۵۵ ص ۱۷۵؛ ابن جوزی، *تذكرة الخواص*، ص ۳۷۵؛ طبری، *ذخایر العقبی*، ص ۳۹؛

هیتمی، *صواتع المحرقة*، ص ۸۰.

۳. طوسی، *امالی*، ج ۱، ص ۴۰.

خدمت پیامبر ﷺ رسید و تمام پول را به آن حضرت تقدیم نمود. پیامبر اکرم با ۶۳ درهم از این پول اسباب و لوازم زندگی و جهیزیه حضرت زهرا ﷺ را خریداری کرد و مقداری را هم در راه خرید عطر و بوی خوش به مصرف رسانید و مقدار باقی‌مانده صرف خرید لباس برای حضرت زهرا ﷺ شد. بنابراین ۵۰۰ درهم مبلغ ناچیزی نبوده است. درست است که جهیزیه حضرت زهرا ﷺ ساده بود ولی خرید همان اسباب و لوازم ساده هم در آن زمان نیازمند پول قابل توجهی بوده است.

۱. مهرالسنّه و مقدار آن

یکی از برجسته‌ترین آثار و نتایج رسالت پیامبر ﷺ ایجاد دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی بود. از جمله اقدامات اجتماعی رسول گرامی اسلام ﷺ که می‌توانست تأثیرات شگرف فرهنگی در جامعه برجای گذارد، اصلاح مسائل مربوط به ازدواج است. نقل‌های متواتر، مهربه اغلب همسران و دختران پیامبر ﷺ را «۱۲/۵۰۰ آویه نقره» برابر با «۵۰۰ درهم» دانسته‌اند^۱ که از آن به مهرالسنّه تعبیر می‌شود و مهربه اغلب همسران پیامبر ﷺ از حد مهرالسنّه فراتر نرفت و حتی در مواردی کمتر از آن هم ذکر شده است. شیخ صدوق (۳۸۱ ق) از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: رسول الله ﷺ هیچ‌کدام از دختران و همسرانش را با بیش از ۱۲/۵ آویه تزویج نکرده است.^۲

لذا به مهربه‌ای که رسول خدا ﷺ برای همسران خودشان در نظر گرفتند و دختران خود را نیز به همین مقدار به تزویج همسرانشان درآوردند، مهرالسنّه می‌گویند که از جمله موارد مهر المسمی^۳ می‌باشد. بعيد نیست که رسول خدا ﷺ به منظور جلوگیری از ازدیاد مهر، در ثبتیت این سنت تأکید داشته است.

۱. بابیه قمی، فقه الرضا، ص ۲۳۴؛ مقدار مهرالسنّه را ۵۰۰ درهم می‌داند و می‌گوید پیامبر ﷺ همسران و دخترانش را با همین مهربه به همسری برگزید و دیگران نیز آن را تأیید نموده‌اند مانند: صدوق، متنع، ج ۲، ص ۳۰۲؛ شیخ مفید، احکام النساء، ص ۳۷؛ حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۴۴۷؛ قاضی ابن براج، مهذب، ج ۲، ص ۲۸۵؛ حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۵۴۵؛ حلی، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۴۸؛ شهید ثانی، مسالک الانعام، ج ۸، ص ۱۷۵؛ برخی از عالمان اهل سنت مانند ماوردي، الحاوي الكبير فی فقه الامام الشافعی، ج ۹، ص ۴۰۰.

۲. حمیری، قرب الاستناد، ج ۳، ص ۳؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۶۵ - ۶۴.

۳. مهر المسمی؛ مالی معین است که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن با توافق طرفین یا نمایندگان آنها تعیین می‌شود.

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که: هرگاه ازدواج کردی، بکوش تا مهر آن از مهرالسنّه که ۵۰۰ درهم است، تجاوز نکند. زیرا پیامبر ﷺ بر همین میزان دختران خود را شوهر می‌داد و همسر می‌گرفت.^۱

از این حدیث بر می‌آید که هرچند افزودن بیش از اندازه «مهرالسنّه» مکروه و ناپسند است، ولی چنانچه زوجین بر هر مبلغ توافق نمایند - ولو چندین برابر «مهرالسنّه» باشد - صحیح است و بر مرد واجب است آن را پرداخت نماید.

صاحب جواهر (۱۲۲۶ ق) معتقد است اخبار مربوط به تحدید مهر به «مهرالسنّه» فقط استحباب را می‌رساند و تعیین مهریه بیشتر باعث بطلان عقد نمی‌شود.^۲

۲. وجه تسمیه مهرالسنّه

درخصوص وجه تسمیه مهرالسنّه باید گفت این نام‌گذاری، به سیره و سنت پیامبر ﷺ و دیگر مucchomimین بر می‌گردد و ائمه مucchomimین به هنگام تزویج همسرانشان عیناً از لفظ «مهرالسنّه» استفاده کرده‌اند. لذا این لفظ بارها در روایات اهل بیت ﷺ آمده و سفارش‌های مکرری نموده‌اند که مردان و زنان، به همان مهری رضایت دهنند که پیامبر خدا ﷺ به عنوان بهترین اسوه قابل پیروی، آن را برای همسران و دختران خود، قرار می‌داده است.

پیشوایان دینی ما، در کنار عمل به سنت نبوی در مهر و تأکید بر فراتر نرفتن از آن، گاه هدیه‌های بالرزشی را به همسران خود بخشیده‌اند و نام آن را نه مهر که «نحله (هدیه)» نهاده‌اند. به عنوان نمونه، ابن شهر آشوب (۵۸۸ ق) از عکبری به اسنادش از ابو اسحاق نقل می‌کند که امام حسن عسکری علیه السلام جده دختر اش عثث را بر سنت پیامبر ﷺ به نکاح خویش درآورد و ۱۰۰۰ دینار نیز برایش فرستاده است^۳ و از آبی (۴۲۱ ق) گزارش نموده که امام حسن عسکری علیه السلام، ام حبیب دختر عبدالله بن اهتم را با مهریه همسران و دختران پیامبر ﷺ، یعنی ۱۲ اوقيه به تزویج خود درآورد، و علاوه بر آن مبلغ ۱۰۰ هزار درهم نیز به او هدیه داده است.^۴

همچنین در گزارش ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون آمده است که ایشان مهر او را همان

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰۵.

۲. نجفی، جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۴۷.

۳. فَصَائِلُ الْعَكْبَرِيِّ بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقِ أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلَيٍّ عَنْ تَرْوِيجِ جَعْدَهِ بِنْتِ الْأَمْعَثِ بْنِ قَبِيسٍ عَلَى سُنْنَةِ النَّبِيِّ ﷺ وَأَرْسَلَ إِلَيْهَا الْأَنْفَدَ بْنَ يَتَّابِرِ. (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۷)

۴. در دوره خلافت حضرت علی علیه السلام عبدالله بن اهتم یکی از کارگزاران ایشان بودند، و آن حضرت او را به کرمان فرستادند.

۵. آبی، نشر الدر فی المحاضرات، ج ۴، ص ۶۷.

مهرالسنہ قرار داد و مبلغ ۱۰۰ هزار درهم نیز به عنوان نحله به همسرش بخشید.^۱

در شرح حال ائمه گرامی آمده که آن بزرگواران، گاه هدیه‌هایی به صورت مزرعه، باغ و ... را به خانواده‌هایی نوپا می‌بخشیدند و قصدشان از این کار، بی‌نیاز کردن آنان از تکیه بر دیگران بود. در منابع آمده هنگامی که امام حسین^{علیه السلام} دختر عبدالله جعفر، را به عقد پسر عمومیش، قاسم بن محمدبن جعفر درآورد، برای رویارویی با پیشنهاد اعطای کمک مالی یزید به این خانواده، مزرعه حاصلخیز خود را در وادی عقیق، به آن دو بخشید.^۲

البته از این نمونه‌ها، درگزارش تاریخ، فراوان نیست، به گونه‌ای که می‌توان هر یک را مختص حالت خاص و برآمده از فضا و موقعیت ویژه آن ازدواج دانست و جالب توجه آنکه درهیچ یک از این گزارش‌ها، سخنی از درخواست قبلی دختر یا خانواده او به میان نیامده است و ارتباطی با مهر (صدق) ندارد. حضرت امام صادق^{علیه السلام} می‌فرمایند: «هنگامی که مهریه کسی از مهرالسنہ گذشت، دیگر به آن مهریه نگویند، بلکه بخشنی است که صورت می‌پذیرد، چنانچه خداوند در آیه چهار سوره نساء می‌فرماید: اگر به زنانタン (مال فراوانی) به ظرفیت پوست گاوی پر از طلا و یا نقره عطا کردید، باز پس نگیرد، و مراد از آن بخشن است نه مهریه».^۳ بنابراین با توجه به این حدیث مهریه‌های مازاد بر مهرالسنہ جنبه بخشن دارد، و از این طریق اضافه بخشن‌های معصومین^{علیهم السلام} بر بعضی از زنانشان در مورد ازدواج خویش توجیه گردیده، و تناقضات و تزاحمات اخبار و وقایع تاریخی در این زمینه مرتفع می‌گردد.

۳. محاسبه مهرالسنہ به نرخ روز

واحدهای اندازه‌گیری وزن متداول در صدر اسلام با امروزه متفاوت است، برای تشخیص وزن یک سکه طلا و یا نقره برجسب گرم باید واحدهای آن زمان را به گرم تبدیل نمود، همچنین عیار فلزات به کار رفته در سکه‌های آن زمان با زمان کنونی بکسان نبوده است. در این زمینه کتب مختلفی نیز تألیف شده و نتایج مختلفی هم گرفته شده که بحث در مورد آنها از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین برای محاسبه مهرالسنہ به نرخ روز به مراجع معتبر امروزی مانند قوه قضائیه^۴ و نظرات مراجع تقليد استناد می‌کنیم.

۱. بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج، ۳، ص ۳۹۸.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج، ۵۷، ص ۲۴۵؛ مُبِرَّ، الکامل، ج، ۳، ص ۱۱۲۹.

۳. عاملی، وسائل الشیعه، ج، ۱۵، ص ۸.

۴. بخشنامه دیه کامله در ماههای غیر حرام از ابتدای سال ۹۶ به شماره ۹۰۰۰/۶۷۸۱۳/۱۰۰۰ مورخ ۹۵/۱۲/۱۵ قوه قضائیه، درج در روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۸۰، ۲۵ اسفند ۹۵.

الف. بر اساس نظر قوه قضائیه، دیه کامل یک انسان در سال ۹۶ برابر ۲،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال تعیین شده که معادل ۱۰۰۰ دینار است، یعنی بهای هر دینار ۲،۱۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد. (هر دینار شرعی ۱۸ نخود طلا و هر درهم شرعی ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.)

با این حساب، مهریه ۵۰ دیناری برابر است با: ریال $۱۰۵,۰۰۰ = ۱,۰۰۰ \times ۱۰۵$ ب. با مراجعه به نظرات مراجع تقليد، دینار شرعی به وزن $\frac{۳}{۴}$ گرم تا $\frac{۳}{۶}$ گرم طلا و درهم شرعی معادل $\frac{۲}{۴}$ گرم نقره^۱ می‌باشد.

قیمت یک گرم طلا در تاریخ ۹۶/۶/۱۱ در بازار ۱،۲۵۱،۰۰۰ ریال می‌باشد.

بر این اساس مهریه ۵۰ دیناری برابر است با: ریال $۱,۲۵۱,۰۰۰ \times \frac{۳}{۵} \times ۱۰۵ = ۲۱۸,۹۲۵$

ج. قیمت یک گرم نقره در تاریخ ۹۶/۶/۱۱ در بازار ۲،۲۰۰ ریال می‌باشد.

بر این اساس مهریه ۵۰۰ درهمی برابر است با: ریال $۲,۲۰۰ \times ۲,۴۲ \times ۱۰۵ = ۲۶۶۲,۰۰۰$

این اختلاف قیمت بین طلا و نقره، ناشی از فروزنی نرخ طلا بر نقره بوده که از آن زمان تا کنون رخ داده است. اگر سکه‌های آن زمان الان وجود داشتند، ارزش هر دینار معادل ۸۲۲ درهم می‌گردید و حال آنکه آن زمان هر دینار ۵۰۰ درهم بود.

آنچه مهم است این است که این مبالغ علی‌رغم اختلافاتی که باهم دارند به هیچ‌وجه با مهریه‌های سنگین امروزی همخوانی ندارند.

نتیجه

مهریه دختران پیامبر ﷺ - زینب، رقیه و ام کلثوم - ۱۲ / ۵ / ۵۰۰ درهم^۱ بوده است. مورخان درباره میزان مهریه فاطمه[ؑ] مختلف القول‌اند ولی می‌توان با اطمینان گفت که مهر آن حضرت از ۵۰۰ درهم فراتر نرفته و مبلغ بدست آمده، حاصل فروش زره، یا مجموع فروش زره و چند چیز دیگر بوده است و آن حضرت سعی بر آن داشتند تا با برقراری مهریه مشخص برای دختران و همسرانشان، میزان مهریه را در بین امت اسلامی الگوسازی کنند، ضمن آنکه هیچ‌گاه این سنت را به دیگران تحمیل نکردند و مقدار و نوع آن را به عهده خودشان گذاشتند.

به مهریه‌ای که رسول خدا ﷺ دختران و همسران خود را با آن به تزییج درآورند، مهرالسنّه می‌گویند و رعایت مهرالسنّه در بین مردم جنبه استحبابی دارد. این نام‌گذاری توسط ائمه معصومین^{علیهم السلام} صورت پذیرفته و پیشوایان دینی ما، در کنار عمل به سنت نبوی در مهر و تأکید بر

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی آیات عظام خامنه‌ای، مکارم و سیستانی.

فراتر نرفتن از آن، مسلمانان را به تعیین مهرهای سبک دعوت و تشویق کرده‌اند و به هنگام تزویج همسرانشان عیناً از لفظ مهرالسننه استفاده کرده و درکنار آن، گاه هدیه‌های بالارزشی به همسران خود بخشیده و نام آن را نه مهر که «نحله (هدیه)» نهاده‌اند.

مهرالسننه همچون سایر سنن پیامبر ﷺ می‌تواند در زمان‌ها و شرایط مختلف ساری و جاری شود. بدون شک وضع معیشتی مردم در آن زمان با امروز بسیار متفاوت بوده است، اما همان‌طور که احکام فقهی در مسائل حقوقی مانند احکام دیه، اقتباس از همان رویه‌های صدر اسلام است، با همان مبالغ و حتی همان مصاديق (هنوز هم دیه یک انسان برحسب شتر حساب می‌شود) چه مانعی دارد در این موضوع نیز به این سنت تأسی شود. البته تفاوت مهرالسننه با سایر سنت‌ها در این است که در این مورد حکم قطعی و لازمالاجرا وجود ندارد، به همین دلیل در مقایسه آن بین زمان حال و دوران صدر اسلام نیازی به بررسی موشكافانه در حد مسائل حقوقی نبوده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. آبی، منصور بن الحسین الرازی، ثر الدّر فی المحاضرات، تحقیق خالد عبد الغنی محفوظ، لبنان، دار الكتب العلمية، بی‌تا.
۳. آلوسی، محمود شکری، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، تحقیق محمد بهجة أثری، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۳۱۴ ق.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۹۶۷ - ۱۹۶۵.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، النهایة فی غریب الحديث والأثر، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۹۹۷ م.
۶. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۸. ابن جوزی، عبدالرحمن، تذكرة الخواص، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۱ ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن، صفة الصفوة، القاهره مصر، دار الحديث، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
۱۰. ابن حبان، صحيح، بیروت، مؤسسه الرسالله، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ق.

١١. ابن حبیب، ابو جعفر محمد بن حبیب بغدادی، تصحیح لیختن اشتین، بیروت، منشورات دار الأفاق الجدیده، بی تا.
١٢. ابن حَجَر عَسْقَلَانِي، احمد بن علی، الاصابة فی تمیز الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
١٣. ابن حَجَر عَسْقَلَانِي، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر، بی تا.
١٤. ابن حَجَر عَسْقَلَانِي، احمد بن علی، فتح الباری شرح البخار، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
١٥. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، ١٣٧٩ ق.
١٦. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دار الجیل، ١٤١٢ ق.
١٧. ابن عذریه، احمد بن محمد، العقد الفرید، محقق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤٠٤.
١٨. ابن عساکر الدمشقی، علی بن الحسن، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، بیروت، دارالفکر ١٩٩٥ م.
١٩. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٧ ق.
٢٠. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ١٥ جلد، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٧ ق.
٢١. ابن ماجه، حافظ ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بی تا.
٢٢. ابن مغازلی، ابوالحسن، مناقب أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام، صنعت، الدار الآثار، الطبعة الأولى، ١٤٢٤ ق.
٢٣. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤٠٨ ق.
٢٤. ابن هشام، عبد الملک بن ایوب، السیرة النبویة، تهران، کتابچی، چاپ ٥، ١٣٧٥.
٢٥. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ١٣٧٤.
٢٦. أبو یعلی الموصلی، الحافظ أحمد، مسنن ابی یعلی، بی جا، طبعة دار المأمون للتراث، ١٤١٠ ق.
٢٧. ابوالصلاح حلبی، الكافی فی الفقه، اصفهان، چاپ رضا استادی، ١٣٦٢.

٢٨. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الانمۃ*، قم، دارالمعرفة، بی تا.

٢٩. بستانی، بطرس، *محیط المحيط*، بیروت، چاپ مکتبه لبنان ناشرون، ١٩٩٣ م.

٣٠. بستانی، فؤاد افراهم، *فرهنگ ابجده عربی فارسی / ترجمه المنجد الابجده*، مترجم رضا مهیار، تهران، اسلامی، ١٣٧٠.

٣١. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ١٤١٧ ق.

٣٢. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دار الفکر، بی تا.

٣٣. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ١٣٦١.

٣٤. ترمذی، عبدالسلام، *الزواج عند العرب فی الجاهلية والاسلام*، دمشق، طلاس، بی تا.

٣٥. ثعلبی، احمد بن محمد، *تفسیر ثعلبی*، بیروت، دار الإحياء التراث العربي، ١٤٢٢.

٣٦. جاحظ، عمرو بن بحر، *الحیوان*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤٢٤.

٣٧. جر، خلیل، *فرهنگ لاروس*، تهران، انتشارات اسمائیلیان، چاپ ٢٣، ١٣٦٣.

٣٨. جامعه، محمد محمود، *النظم الاجتماعیة والسياسیة عند قدماء العرب و الامم السماحة*، بی جا، بی نا، ١٩٤٩ م.

٣٩. حضرمی، ابوبکر، *رشفة الصادی*، قاهره، بی نا، ١٣٠٣.

٤٠. حلی، نجم الدین جعفر بن سعید، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تبریز، اعلمی، چاپ اول، ١٢٨٥.

٤١. حلی، یوسف بن حلی، *تبصرة المتعلمين فی احکام الدين*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ اول، ١٣٦٣.

٤٢. حلی، یوسف بن حلی، *مختلف الشیعہ*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیة، جامعه مدرسین، ١٣٧٤.

٤٣. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاستناد*، ٧ ج، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ١٤١٣ ق.

٤٤. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، چاپ مصطفی عبد القادر عطا، ١٤١٧ ق / ١٩٩٧ م.

٤٥. خواجوئی، إسماعیل بن محمد، جامع الشتات، بی جا، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به
جامعة مدرسین، بی تا.
٤٦. خوارزمی، محمد بن عباس، مفید العلوم ومفید الهموم، بیروت، المکتبة النصریة، ۱۴۱۸ ق.
٤٧. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
٤٨. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
٤٩. دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت،
دار صادر، بی تا.
٥٠. الدیلمی، أبو شجاع شیرویه بن شهردار، الفردوس بتأثیر الخطاب، بیروت، دار الكتب
العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
٥١. دینوری، أبو محمد، تأویل مختلف الحدیث، بی جا، المکتب الاسلامی - مؤسسه
الإشراق، الطبعة الثانية، مزیدة ومنقحة ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.
٥٢. دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، غریب الحدیث، بی جا، دار الكتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
٥٣. ذهبی، شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق الرناووت، بیروت، مؤسسه
الرسالة، ۱۴۱۴.
٥٤. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام وفیات المشاهیر والاعلام، بیروت، دار الكتاب
العربی، ۱۴۰۷ ق.
٥٥. راغب الاصفهانی، حسین، محاضرات الأدباء، بیروت، شرکت دارالارقم بن ارقم، ۱۴۲۰ ق.
٥٦. راغب الاصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت،
دار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.
٥٧. زرندی، جمال الدین، نظم درر السقطین، بی جا، دار الشر: مکتبة الامام امیرالمؤمنین علیہ السلام،
العامة، الطبعة الأولى، ۱۳۷۷ ق.
٥٨. زمخشیری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و نصوص الاخیار، بیروت، مؤسسة الاعلمی
للطبعات، ۱۴۱۲ ق.

۵۹. زنجی سجزی، محمود، *مهدب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۶۰. سبزواری، عبد الأعلى، *مهدب الأحكام فی بيان الحلال والحرام*، نجف، مطبعة الآداب، چاپ ۲۹، ۱۳۹۶ ق.
۶۱. سجستانی، ابوذاود، *سنن ابی داود*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۶۲. سیوطی، جلال الدین، *الشغور الباسمة فی مناقب فاطمة*، بیروت، مرکز الدراسات وبحوث العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۶۳. شعرانی، أبوالحسن، *تبصرة المتعلمين فی أحكام الدين*، تهران، منشورات إسلامیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۹ ق.
۶۴. شوقي ضيف، عبدالسلام، *تاریخ الأدب العربي العصر الجاهلي*، مصر، دار المعارف، بی تا.
۶۵. شیانی المروزی، أحمد بن حنبل، *مسند أحمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۶۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، *أحكام النساء*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۶۷. ———، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۶۸. ———، *رسالة فی المهر*، تحقیق شیخ مهدی، نجف، ناشر المؤتمر العالمي لافیه الشیخ المفید، بی تا.
۶۹. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، *سبیل الهدی و الرشداد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۴۱۴.
۷۰. صدوق، ابن بابویه قمی، ابو جعفر، *المقنع*، تهران، الجوامع الفقهیه، ۱۲۷۶ ق.
۷۱. صدوق، ابن بابویه قمی، ابو جعفر، *معانی الأخبار*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، بی نا، ۱۳۶۱.
۷۲. صدوق، ابن بابویه قمی، ابو جعفر، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

٧٣. صدوق، ابن بابویه قمی، ابو جعفر، فقہ الرضا، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۶ ق.
٧٤. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم، منتهی الارب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
٧٥. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، الموصل، مکتبة الزهراء، الطبعه الثانية، ۱۴۰۴ ق.
٧٦. طبری، محب الدین، ذخایر العقبی فی مناقب ذوی القربی ﷺ، قم، دار الكتاب الاسلامی، ۱۳۸۶.
٧٧. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دار التراث، الطبعه الثانية، ۱۳۸۷ ق.
٧٨. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، بی جا، مکتب النشر الثقافة الاسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
٧٩. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، النهاية، بیروت، دار الكتب العربي، چ ۲، ۱۴۰۰ ق.
- ٨٠ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تهذیب الأحكام، تهران، بی نا، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ٨١ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تهران، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۰.
- ٨٢ عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، مسالك الأفهام، بی جا، مؤسسه المعارف الاسلامية، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.
- ٨٣ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار الإحياء التراث العربية، ۱۴۱۰ ق.
- ٨٤ عسکری، حسین بن عبدالله (ابوهلال)، الأوائل، مصر، دار البشير، ۱۴۰۸.
- ٨٥ عسکری، جمهرة الامثال، أوائل، مصر، دار البشير، ۱۴۰۸ ق.
- ٨٦ علوی، علی بن محمد، المجلد فی انساب الطالبین، قم، مکتبة المرعشی، ط ۱، ۱۴۰۹ ق.
- ٨٧ علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم الملابین، چاپ دوم، ۱۹۷۸ م.
- ٨٨ فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير، قاهره، أفسست (تهران)، بی تا.
- ٨٩ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.

١٠٠. فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س، ۹، پاییز ۹۷، ش ۳۲
٩٩. فسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفة والتاريخ*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
٩٨. فیروزآبادی شیرازی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، ۴ ج، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
٩٧. فیومی، احمد بن محمد بن علی المقری، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير*، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
٩٦. قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق، ترجمه سیرت رسول الله ﷺ، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.
٩٥. قاضی ابن براج طرابلسی، المهدب، عبد العزیز بن نحریر، قم، مؤسسه نشر آثار اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
٩٤. قرضی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۷.
٩٣. قرضی، محمد بن احمد، *تفسیر قرضی*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۷.
٩٢. قسطلانی، احمد بن محمد، *المواهب اللدنیة بالمنج المحمدیة*، بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
٩١. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لذوی القریبی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا، دار الأسوة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶ ق.
٩٠. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الكتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
٩٩. کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الامام أمیر المؤمنین علی علی*، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ ق.
٩٨. گنجی شافعی، یوسف، *لغایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علی*، بیروت، دار الإحياء التراث، ۱۴۰۴.
٩٧. لیمود، حامد محمود بن منصور، *منتقی النقول فی سیرة أعظم رسول*، مکة المکرمة، رابطة العالم الإسلامی، ۱۹۸۲ م.
٩٦. ماوردی، أبوالحسن، *الحاوی الكبير فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دار الكتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.

١٠٤. مُبَرَّد، محمد بن يزید، *الکامل فی اللغة والأدب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
١٠٥. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
١٠٦. محقق کرکی، علی بن حسین عاملی، *جامع المقاصد فی شرح القواعده*، محقق / مصحح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
١٠٧. محلی الشافعی، حسین بن محمد، *الافصاح عن عقد النکاح علی المذاهب الاربعة*، سوریه، دار العلم العربی بحلب، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
١٠٨. معلوف، لویس، *المنجد فی اللغة والاعلام*، تهران، اسماعیلیان، چاپ ۲۳، ۱۹۷۸ م.
١٠٩. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
١١٠. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، *اللمعة الدمشقیه*، قم، دار الفکر، ۱۴۱۱.
١١١. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، *اللمعة الدمشقیه*، قم، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
١١٢. نجفی، محمد حسن، *جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار الإحياء التراث العربیة، ط ٧، بی تا.
١١٣. نراقی، احمد بن محمد، *رسائل و مسائل*، تهران، نور محبت، ۱۳۹۱.
١١٤. نوری، حسین بن محمد، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
١١٥. نیشابوری، حاکم، *مجمع الامثال*، ج ٢، بی جا، بی نا، بی تا.
١١٦. هیتمی سعدی انصاری، ابن حجر، *صواعق المحرقة*، قاهره، مکتبة قاهره، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
١١٧. هیتنس، والتر، *وزان و مقیاس‌ها در اسلام*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
١١٨. واقدی، محمد بن عمر، *السیر والمغازی*، تحقیق مارسلدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، الطبعه الثانیة، ۱۴۰۹ ق.
١١٩. *The encyclopaedia of Islam*, 18– glossary of Islamic terms & concepts:
The encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1999.

